

درازای «یارانه» های نسبه، کارگران و مزدبگیران حقوق واقعیشان را می خواهند

زینت میرهاشمی

دوشنبه چهارم شهریور ۱۳۸۷

آخرین نماگر بانک مرکزی در مرداد ماه ۱۳۸۷، در بررسی شاخصهای عمده اقتصادی ایران، نتیجه افزایش چشمگیر درآمد نفتی را، گشایشی در پایین آوردن «گرایشهای منفی اقتصادی» ندانسته است.

داده های آماری بانک مرکزی به نقل از برنامه روز ۳۰ مرداد رادیو فردا، دال بر این است که «درفاصله سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶، سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی ایران کمتر شده است و از ۲۸,۶ درصد به ۲۵,۶ درصد تنزل یافته است.»

درآمد ایران از نفت خام افزایش چشمگیر داشته است. این درآمد بین سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶، از ۳۶ میلیارد دلار به حدود ۸۲ میلیارد رسیده است. این افزایش برابر با فقر بیشتر مردم شده است.

افزایش درآمد به بخش تولید و صنعت تزریق نشده و هیچ گونه بهبودی در بخش تولیدی کشور صورت نگرفته است. اگر به سیاستهای دولت پاسداران و طرحهای اقتصادی که ارائه می دهد نگاهی اندازیم می بینیم که رهیافت این سیاستها از نظر اقتصادی خدمت به نئولیبرالیسم و جهانی سازی سرمایه است و از نظر سیاسی تامین امنیت نظام دینی. این رژیم در همین قد و قامتش بیشترین همکنشی را با تجارت جهانی نموده است. مافیای واردات که درپنجه های آقازاده ها و وابستگان حکومتی میچرخد، بازارهای ایران را مملو از کالاهای بنجل کشورهای دیگر کرده است. نهاده داده های آماری اخیر بانک مرکزی، (اگر همین میزان هم واقعیت داشته باشد) پرده از فاجعه نرخ رشد بیکاری و تاثیر آن در سالهای بعد را نشان می دهد. بر اساس آمار دولتی، نرخ رشد بخش صنعتی در سال ۱۳۸۶، نسبت به سال قبل، ۱,۲ درصد کاهش داشته است. این کاهش نرخ رشد در بخش تولیدی و پیامد آن رشد نقدینگی، اقتصاد ایران را بحرانی تر کرده است.

نسخه های پیچیده شده از طرف دولت پاسداران تاثیری در بهبود شرایط زندگی مردم نمی گذارد. ساختار اقتصادی و سیاسی موجود آن چنان فاسد و گندیده است که دست به هر گوشه ای از آن بزنند گندش در می آید.

احمدی نژاد سال ۱۳۸۷ را سال تحول اقتصادی نامید. وی در ادامه شعار عوام فریبانه خود مبنی بر آوردن پول نفت بر سر سفره مردم، از جراحیهای بزرگ اقتصادی صحبت کرد. اما جراحی در میان چه کسانی صورت خواهد گرفت؟

اگر به لیست اسامی عباس پالیزدار از مفتخواران و رانت خوران نگاهی کنیم اسامی نورچشمیهای ولی فقیه و وابستگان نزدیک سیستم را در آن می بینیم. پس مهمترین جراحی، بریدن شاهرگهای هزارفامیل حکومتی و نوپیوستگان به آن است. جراحی اقتصادی که دست نشانده ولایت فقیه از آن حرف می زند حرفی پوچ است و تنها جراحی که می تواند اتفاق بیفتد و اقتصاد بیمار ایران به سمت توسعه پیش ببرد، همانا جراحی ساختاری این نظام است. باید این نظم دریک تحول مردمی تغییر کند تا ساختاری سیاسی هم وزن با مشارکت مردمی بتواند بخش تولید را راه اندازی کند.

احمدی نژاد در طرح «تحولات بزرگ اقتصادی» که در اوایل تیر ماه سال جاری مطرح کرد، ۷ مورد را محور قرار داد.

این هفت محور شامل، نظام بهره وری، نظام مالیات، نظام گمرکی، نظام بانکی و پولی، نظام توزیع کالا، نظام توزیع اعتبارات بانکی و نظام یارانه ها بود. طی همین چند ماه، بهای مایحتاج مردم آن چنان بالا رفته است که فرم سنجشی را برای آن نمی توان تصور کرد.

یکی از محورهایی که رژیم روی آن سر و صدا راه انداخت و خیلی سریع در جهت آن گام برداشت، حذف سوبسیدها و طرح یارانه ها بود. آزاد سازی قیمت بنزین در راستای همین طرح بود. دولت پرسشنامه هایی به خانه های مردم فرستاد که میزان درآمد و تعداد خانوار در آن سوال شده بود. براساس گزارش رسانه های حکومتی و منجمله روزنامه اعتماد در پایان مهلت سه ماهه اجرای طرح آمارگیری اقتصادی «حدود ۴۰ درصد» مردم به فراخوان دولت پاسخ ندادند. واستقبالی از آن نکردند. به همین دلیل رژیم این آمارگیری را از اول شهریور ماه دوباره آغاز خواهد کرد. در بسیاری از واحدهای تولیدی، حقوق کارگران پرداخت نشده است و موضوع عدم پرداخت حقوق یکی از مشکلات کارگران و مزدبگیران است. از طرفی دیگر حقوق کارگران در برابر نرخ رشد تورم هیچ خوانایی ندارد. به اعتراف برخی پایوران رژیم، این حقوق یک سوم میزان تعیین شده برای خط فقر است. وعده دادن یارانه که در شکل « صدقه دادن» است در حقیقت مقابله با اعتراضهای کارگری برای گرفتن حقتشان است. اقلیتی مفتخوار، ثروت کشور را بر جیب می زنند و به جای پرداختن حق طبیعی مردم، وعده یارانه یا صدقه می دهند. هنوز که هیچ یارانه ای در بین نیست افزایش قیمتها سیر صعودی به خود گرفته است.

رفسنجانی در آدینه اول شهریور اعلام کرد که موضوع «یارانه» ها در مجلس خبرگان به بحث خواهد گذاشت. در ماهی که گذشت حرکتیهای اعتراضی کارگری جریان داشت. کارگران ایران تایر (لاستیک البرز) بیشتر از یک ماه است که دست به اعتراض می زنند و خواهان دریافت حقوق عقب افتاده خود هستند. در مرداد ماه بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران صنایع مخابرات راه دور در شیراز با خانواده های خود دست به گردهمایی اعتراضی زدند. خودکشی در میان کارگران در برابر فقر، همچنان جریان دارد. یکی از کارگران با سابقه صنایع مخابرات راه دور در شیراز دست به خودکشی زد. این کارگر روز ۲۲ مرداد خود را از منبع آب کارخانه حلق آویز کرد. علت خودکشی، فقر و عدم پرداخت حقوق وی بوده است که منجر به گرسنگی کودکانش شده است.

کارگران نیشکر هفت تپه بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان و نیز عدم تحقق وعده های داده شد دست به اعتصاب زدند. فشار روی فعالان جنبش کارگری میزان وحشت رژیم را از همبستگی و پیوستگی حرکتیهای اعتراضی کارگران نشان می دهد. بیهوده نیست که دولت پاسداران شعارهای تو خالی و پوچ شلیک می کند و در عمل اعتراض کارگران و مزدبگیران را سرکوب می کند.

زینت میرهاشمی

Zinat_mirhashemi@yahoo.fr

اول شهریور ۱۳۸۷